

## تأثیر طاهره بر شعرای

### شبه قاره هند

دکتر صابر آفاقی (کشمیر)

جناب طاهره قره‌العین در تاریخ ادیان عالم مقامی بس ارجمند و در جهان شعر فارسی شهرتی بسزا دارد. او زنی است که از طرف ارباب فضل و کمال ستوده شده و شعراء و نویسندگان زیادی را تحت تأثیر قرار داده است. با افکار منور خویش فیلسوف‌ها را راهنمایی کرده و با غزلیات پرشورش قلوب عاشقان حق را به هیجان آورده است. به زنان شرق و غرب جهان تازه‌ای نشان داده و طیور بال و پر شکسته را پروازی جدید آموخته است. بنا بگفته حسام نقبائی:

"وی خطیبی بلیغ و فاضلی بی نظیر و نویسنده و شاعری چیره دست و مجتهدی عالی مقام و دارای افکار نوین بود که با جهل و خرافات بمبارزه برخاست و جان خود را در این سبیل داد شخصیت علمی و روحانی و کمال اخلاقی و فضیلت معنوی و وجاهت او مورد قبول دوست و دشمن است" (۱)

نویسندگان و شعرا درباره حضرت طاهره کتاب‌ها نوشته و اشعار زیادی سروده‌اند. علاوه بر فارسی و عربی و انگلیسی در ادبیات اردو نیز ذکر حضرت طاهره دیده میشود. مجلات و نشریات زیادی در شبه قاره هند بنام حضرت طاهره مزین شده‌اند که اگر همه ذکر شوند مثنوی هفتاد من کاغذ شود. جاوید نامه اقبال که بزبان‌های سندهی، پشتو، پنجابی، عبری و اردو ترجمه شده متضمن نام طاهره و یکی از غزلیات اوست. تعدادی از خوانندگان پاکستانی غزلیات او را خوانده‌اند که نوارهای آن موجود است. حضرت ولی امرالله در کتاب قرن بدیع می‌فرمایند:

"در قطعات خمسه عالم محبان و عاشقان پرشور و حرارت طاهره که اشتیاق فراوان باستماع تفصیل حیات پر افتخار وی دارند بی‌شمارند. بعضی پیروی از ملکات و سجایای عالیه اش را مایه تهذیب اخلاق و تعدیل افکار می‌شمردند و برخی مطالعه اشعار و غزلیات ملیحش را علت اتمعاش خاطر دانسته به الحان و نغمات موسیقی تلفیق می‌کنند."

طاهره شاعر واقعی بود سقراط درباره شاعر واقعی می‌گوید: "تا الهامی باو نرسد و او را از خود بیخود نکنند هنری در او نیست." مولانا می‌فرماید:

تو مپندار که من شعر بخود می‌گویم تا که بیدارم و هشیار یکی دم نزم  
از غزلیات حضرت طاهره این حالت بیخودی احساس می‌شود چه که غزلیات او از سرتاپا شور است و  
هیجان و نغمه و از پا تا به سر ذوق است و شیفتگی.  
پروفسور هدایت حسین نخستین دانشمندی بود که مقاله‌ای مفصل درباره حضرت طاهره نگاشت و آنرا

در سال ۱۸۶۶ چاپ کرد. پروفیسور مذکور نخستین کسی است که در هند درباره امر بهائی کتاب نوشت. مبلّغین اولیه نیز که به شبه قاره هند آمدند مسلماً از حروف حی و حضرت طاهره سخن گفتند. میس مارثا روت می نویسد: "قبل از رفتن به ایران من هر جا که رفتم اثر طاهره را در قارات عالم مشاهده کردم و دیدم که مردم هر کشوری راجع به طاهره میدانند." (۲) میس مارثا روت که عاشق و شیفته طاهره بود در سال ۱۹۳۰ از ایران دیدن کرد و تعدادی از اشعار حضرت طاهره را با خود به کراچی برده و برای چاپ و توزیع تسلیم مرحوم اسفندیار بختیاری نمود و ایشان مجموعه ای که شامل هفت غزل و متضمن شرح حال حضرت طاهره به نقل از تذکرة الوفا بود بنام تحفه طاهره چاپ و منتشر نمود. روز ۲۲ جون ۱۹۳۰ مارثا روت به اتفاق دانشمند بهائی پروفیسور پریتم سنگ و مرحوم اسفندیار بختیاری با اقبال لاهوری در منزل او ملاقات کردند و جزوه تحفه طاهره و کتاب بهاء الله و عصر جدید را به اقبال تسلیم نمودند. در ملاقات روز بعد اقبال به میس مارثا روت اظهار داشت که در نظر دارد در کتابی که در دست تهیه دارد از حضرت طاهره ذکر نماید. این کتاب همان منظومه تمثیلی جاوید نامه است که در سال ۱۹۳۲ چاپ شد و متضمن ذکر حضرت طاهره و غزلی از اوست این منظومه در کلیات اقبال چاپ طهران نیز آمده است.

دانشمند پاکستان آقای دکتر محمد ریاض می گوید: "اقبال مختصات جالب کردارهای انسانی را دوست می داشت. به این علت است که او جرأت و شهامت طاهره را پسندیده و او را جزء آزادگان سایر دائمی نشان داده است." (۳)

بنظر اینجانب اسباب شهرت و مقبولیت این بانوی پاک سرشت بسیار است. اولاً شاعره ای پرشور و انجذاب است. حالت جذبه و شور اشعارش را فقط در آثار مولانا میتوان دید. ثانیاً جرأت و شهامت و فداکاری او مردم را بخود جلب کرده است. ثالثاً مظلومیت و شهادت او دلها را به رقت آورده است. افکار و زندگی و سرنوشت او با منصور حلاج شباهت دارد. به همین دلیل تنها زنی است که مانند منصور حلاج در شبه قاره هند شهرت یافته است. مارثا روت می نویسد: "من سعی می کنم تا توسط اشعار طاهره امر بهائی معرفی شود." او در سال ۱۹۳۰ با شاعر معروف هند سروجنی نائید ملاقات کرد و یک نسخه از اشعار حضرت طاهره را به او هدیه کرد. مارثا روت همچنین می نویسد: "بسیاری از فضلاء هندوستان اشعار طاهره را حفظ کرده اند." و در جای دیگر می نویسد: "مدار الهام نواب امین جنگ دکن به من گفت: از همه بیشتر چیزی که مرا به امر بهائی جلب کرد حیات پر هیجان طاهره می باشد."

آری در سرزمین پهناور هند و پاکستان و بنگلادش این قند پاریسی طوطیان را شکرشکن کرده است. شکرشکن شوند همه طوطیان هند زین قند پاریسی که به بنگاله میروند در ماه فوریه ۱۹۳۸ از طرف حضرت ولی امرالله تلگرافی رسید که کتاب مارثا روت "طاهره" در هند به طبع برسد. مارثا روت در آوریل ۱۹۳۸ در کانونشن ملی هندوستان در کراچی شرکت جست و پس از اختتام کانونشن به طبع کتاب مذکور مشغول شد. مارثا روت سه ماه در کراچی توقف داشت. در این فاصله با همکاری مرحوم اسفندیار بختیاری کتاب طاهره را در سه هزار نسخه چاپ کرد. هزار نسخه آن بلافاصله به کشورهای شرق و غرب فرستاده شد. کتاب طاهره در سال ۱۹۶۶ در کراچی و در سال ۱۹۸۱ در امریکا تجدید چاپ شد که پیش گفتار آنرا مرضیه گیل نگاشته اند. ترجمه بزبان اردوی این اثر بوسیله آقای عباس علی بت بعمل آمد و یکبار تجدید چاپ شد. نشر شوم آن که توسط این جانب تجدید



دکتر محمد اقبال لاہوری

نظر شده با اضافه شدن آرای دانشمندان در ۱۹۶۴ چاپ شد .  
میس مارثا روت در محافل مختلف هند و در رادیوها با همکاری اسفندیار بختیاری و شیرین فوزدار درباره حضرت طاهره سخنرانی کرد . بطوری که می نویسد وقتی در مدرسه ای راجع به طاهره صحبت کرد بنیان گذار مدرسه گفت امیدم چنان است که هر يك از دختران این مدرسه طاهره هند بشوند .

قسمتی از آراء و گفته های شاعران و نویسندگان اردو زبان درباره طاهره :  
اداره معارف اسلامی در ۱۹۳۳ در لاهور کنفرانسی منعقد ساخت که در آن مقاله ای تحت عنوان "بابی مذهب کی خاتون شهید" توسط پروفیسور هدایت حسین رئیس کالج کلکتہ قرائت شد . مولانا انورشاہ کشمیری یکی از معروف ترین روحانیون شبه قاره هند در استقبال از غزل منسوب به طاهره غزلی سروده که دو بیت آن در زیر درج می شود :

در همه سیر و غربتی کشف نشد حقیقتی      گرچه شدم برنگ و بو خانه بخانه کو بکو  
رشته این جهان بتن جامه آن جهان به تن      رشته برشته نخ به نخ تار به تار هو پیو  
مولانا انورشاہ چنان تحت تأثیر شعر طاهره قرار گرفته بود که وقتی شعر منسوب به طاهره را با شعر احمد قادیانی بانی سلسله احمدیه مقایسه می کند می گوید : "کلام او کجا و کلام طاهره کجا چه نسبت خاک را با عالم پاک".

آقای عزیز احمد استاد انگلیسی زبان و شاعر و داستان نویس داستانی بنام زرین تاج نوشته که در ماهانه "سویرا" لاهور شماره ۷ و ۸ در ۱۹۴۹ بچاپ رسیده است . این داستان تمثیلی در ۱۹۶۳ از رادیو پاکستان پخش شده است .

پروفیسور محمد اسحق استاد دانشکده کلکتہ کتابی بزبان انگلیسی بنام "چهار تن از شاعران ایرانی" نوشته که در آن بطور مفصل از حضرت طاهره یاد نمود است . این اثر در سال ۱۹۵۰ چاپ شده است .  
دانشمند و استاد فارسی زبان آقای میرزا مقبول بیگ بدخشانی در کتاب "ادب نامه ایران" درباره جناب طاهره می نویسد : "اشعار قرآلعین اعلی ترین نمونه فصاحت و بلاغت است . در اشعارش بلندی خیال و شوکت الفاظ است . لفظ لفظ و حرف حرف و کلمه کلمه از حدت جذبات می گوید . اشعار او واردات داخلی و ذاتی دارد و خلوص وی در جای دیگر به ندرت دیده می شود ." (۴)

مرحوم عظیم قریشی شاعر معروف اردو زبان حضرت طاهره را ستوده است . (۵)  
ادیب نام آور اخترعزیزاحمد در کتاب "دخترانی که مشهور شدند" (۶) (لزکیان جو مشهور هوتین) مینویسد : در چنین عصر و زمانی در ایران بزرگترین بانوی هنرمند و با استقامت و صاحب فطانت متولد شد این بانو علاوه بر صفات دیگر اولین و یگانه شاعره ایران بود . در اشعار او روانی مانند اشعار قآانی دیده میشود . اما شوکت و جوش و جذبه او بسیار بیشتر از قآانی است . و بعد ادامه میدهد ، مادام که زبان فارسی زنده است نام او به سبب کلام او زنده خواهد ماند ."

سلیسه خانم کرمانی مقاله ای مختصر تحت عنوان "زرین تاج قرآلعین طاهره" نوشته و با ذکر مواردی از حیات حضرت طاهره از او تجلیل فراوان نموده است . (۷)

شاد کشمیری شاعر اردو زبان قصیده ای بیست و دویتی در ستایش حضرت طاهره سروده است . (۸)  
اینجانب در سال ۱۹۶۴ مطلب کوتاهی در مورد حضرت طاهره و جناب نعیم نوشتم و در آن اظهار داشتیم که : کلام جناب طاهره بعلت اثر و جوش و ترم و موسیقی همواره زنده خواهد ماند . در اشعار جناب طاهره درخشانی برق و روانی دریا و شیرینی عسل دیده می شود . (۹)

مقاله ای تحت عنوان "قرّةالعین طاهره و اقبال" در هفته نامه "امروز" لاهور چاپ شده که در آن آمده است: "اقبال در حقیقت تعبیر تصور خودی و عشق خویش را در حیات طاهره دریافت می کند." (۱۰)

پروفیسور یوسف سلیم چشتی می نویسد: "طاهره با انسان فانی عشق نداشت او عاشق آئین خویش بود و تا دم آخرین مسلک خود را تبلیغ میکرد. هیچ قوه ای او را از مقصد حیات باز نداشت."

آقای سراج نظامی شرح احوال طاهره را از کودکی تا شهادت نقل کرده و خدمات ارزنده جناب طاهره را در باب علم و آئین بایی ستوده است او می نویسد: "طاهره از یک طرف تفسیر و حدیث و فقه و فلسفه را میدانست و از طرف دیگر در سخن گوئی نظیر نداشت. او یک شاعره توانا بود." و بعد در خاتمه ابیات اقبال لاهوری را میآورد که گفته است:

از گناه بنده صاحب جنون      کائنات تازه ای آید برون  
شوق بی حد پرده ها را بردرد      کهنگی را از تماشای می برد  
آخر از دار و رسن گیرد نصیب      بر نگردد زنده از کوی حبیب (۱۱)

متصاعد الی اللہ سید محفوظ الحق علمی غزل منسوب به طاهره را به مطلع: "در ره عشقت ای صنم شیفته بلا منم" به اردو ترجمه کرده است.

شاعر شهیر پاکستانی مرحوم رئیس امروہوی غزل منسوب به جناب طاهره "چهره به چهره رویرو" را استقبال کرده است و این شعر چند بار در رادیو پاکستان خوانده و پخش شده است.

چند دانشجوی پاکستانی تحقیق در مورد حضرت طاهره را موضوع تز خود قرار داده اند.

خانم عصمت افزا دانشجوی ادبیات اردو در دانشگاه لاهور مقاله ای تحت عنوان "تصویر زن در نظام فکری اقبال" نگاشته و در باب چهارم کتاب درباره پنج تن از خانم ها مانند: حضرت فاطمه زهرا، مادر اقبال لاهوری، شرف النسایبکم، فاطمه بنت عبدالله و قرّةالعین طاهره نوشته است.

جمیلہ ہاشمی داستان نویس معروف پاکستانی طی داستانی بنام "چهره به چهره رویرو" شرح حیات و افکار قرّةالعین را بازگو میکند. (۱۲)

شاعر معروف پاکستانی آقای تابش دهلوی مقیم کراچی غزل "گر بتو اقتدم نظر چهره به چهره روبه رو" را به اردو ترجمه نموده است. این ترجمه در کتاب "حشر بدامان" در ۱۹۸۶ چاپ شده است.

دائرةالمعارف اردو (۱۳) تحت حرف (ق) قرّةالعین طاهره می نویسد: "قرّةالعین طاهره در سخنوری نظیر نداشت."

دائرةالمعارف اسلامی شرح احوال جناب طاهره را مفصلاً نوشته و میگوید: "قرّةالعین طاهره در سخنرانی کم نظیر و در حسن و جمال یگانه روزگار بود." (۱۴)

منظور طلاع سحر که متضمن تاریخ امر به اجمال است توسط این جانب سروده شده و ذکر نیز از حضرت طاهره دارد. (۱۵)

مقاله ای مفصل و مشروح درباره حیات جناب طاهره توسط این جانب نوشته شده و در مجله نگار پاکستان به چاپ رسیده و مورد عنایت اصحاب علم و ارباب تحقیق قرار گرفته است. (۱۶)

آقای حبیب جالب از بزرگترین شعرای معاصر پاکستان است. نامبرده اخیراً مجموعه منظومات خود را بنام "حرف سردار" در لاهور و لندن بطبع رسانده که ۴۹ صفحه دارد. در سرآغاز کتاب می نویسد: (ترجمه) از مدتی دلم میخواست درباره شاعرانی که با حکمرانان عوام دشمن نبرد آزما بوده اند نوشته شود. مانند قرّةالعین طاهره و شعرای دوره قاجاریه که شمع آجین شدند و این بیت را می خواندند:

ای خوش آن عاشق سرمست که در پای حبیب      سرود دستار نداند که کدام اندازد

و بعد در آغاز کتاب مصرع "گر بتو اقدم نظر چهره به چهره رویه رو" را آورده و سپس مصاریع زیر را عنوان های باب های کتاب قرار داده است. دجله به دجله یم به یم ، چشمه به چشمه جو بجو، غنچه به غنچه گل به گل، لاله به لاله بو به بو. (۱۷)

نویسنده و اقبال شناس هندی آقای پروفیسور جگن آزاد در سفرنامه خویش تحت عنوان "در وطن کلمبوس" می نویسد:

"چون به مشرق الاذکار شیکاگو رسیدم از حدائق آن و تازگی هوا بی نهایت مسرور شدم در این موقع بود که دوست من آقای افتخار نسیم ذکری از قرآلعین طاهره کرد و غزل "گر بتو اقدم نظر" را برای من خواند. احساس من در موسیقی آن اشعار گم شد و آن احساس را که او با بانی دیانت بهائی داشت حس کردم." (۱۸)

پروفیسور محمد ارشاد نویسنده چیره دست و دانشمند ژرف نگاه مقاله ای بنام "دو آهوی تشنه در نمکزار، حباطی و قرآلعین طاهره" نگاشته که در مجله فنون لاهور به چاپ رسیده است. او حباطی مصری و قرآلعین را از لحاظ زندگی و عقاید و نفوذ مقایسه می کند و میگوید: "قرآلعین در شعر فارسی و عربی مهارت تمام داشت ولو اینکه عمر شعری او بیش از ۵ سال نبود او را لازم نبود مشق کند بلکه شعر بر او نازل می شد. قآنی و غالب دهلوی هم عصر او بودند ولی او چنین شعر ساخته که در عدم تکلف و سادگی و وجدآوری و شور و عمق تأثیر از غزلیات مولانا چیزی کم ندارد."

آقای قمر هاشمی شاعر معروف اردو زبان مجموعه ای بنام "تماشا طلب ازار" دارد که در آن به شعر عده ای از شعرا را یاد نموده است. در این مجموعه ذکر حضرت طاهره نیز آمده است. ترجمه فارسی قسمتی از منظومه در مورد حضرت طاهره چنین است:

ام سلمی کنیت  
اسم مبارک فاطمه  
نام طفلی زرین تاج  
ذکبه لقب  
بانوئی ایرانی بود  
دل داده شعر و ادب  
جذبه و جوش و جنون زهد و ورع  
نطق و بیان  
پاکیزگی جسم و جان  
آن خطیب مسلک بابی  
از حدت جذبه  
تند لفظ بود و شعله مزاج

در این مجموعه عکسی نیز از حضرت طاهره دارد که بقرار اطلاع از موزه ای در پاریس تهیه نموده است. و در آخر میگوید: "جانبازی و شهادت طاهره نشان کردار و استقلال عظمت او بود اوراق تاریخ شاهد سربلندی وی میباشد." (۱۹)

ادیب و فرهنگ شناس آقای نسیم مروهوی در تألیف خو بنام "فرهنگ اقبال" از قرآلعین طاهره نام میبرد و میگوید: "علامه اقبال در ارواح جلیله طاهره را بدین سبب انتخاب کرده است که او بر مسلک خود چنان ثابت و استوار ماند که دست از زندگی شست ولی از مذهب خود انحراف نجست. طاهره در لیاقت علمی و

صلاحیت ذهنی فوق العاده بود و در نظم و نثر پایه علمی و ادبی او بسیار بلند بود. (۲۰)  
 آقای مسعود کشفی که یکی از نویسندگان کشمیر آزاد و گردآورنده برنامه رادیو میباشد اخیراً  
 مجموعه اشعار خود را بنام "کاروان" در اردو و کشمیری چاپ کرده است. در این اثر منظومه ای بنام  
 قرآلعین دیده میشود که مفهوم آن به فارسی چنین است: "طاهره آبروی امت معصوم بود او نور قندیل و  
 روپروی حق بود. اقبال لاهوری سوز درون از او اکتساب کرد غالب دهلوی طاهره را بعنوان کمال مطلوب  
 میدانست." (۲۱)

داستان نویس و منتقد معروف پاکستانی که مدتی از طرف یونسکو مأموریت طهران داشت در  
 خاطرات سفرش بنام "گرد سفر" می نویسد که او درباره شاعره نام آور ایرانی اطلاعاتی بدست آورده و  
 از اشعار وی بسیار تحت تأثیر قرار گرفته است. (۲۲)

آقای مسعود جاوید مقاله ای تحت عنوان "خاتون عجم" برشته تحریر درآورده که در مجله رجحان  
 انتشار یافت. مسعود جاوید می نویسد: "طاهره گوهر تابنده شعر ایرانی است او تا امروز نویسندگان و  
 متفکران را تحت تأثیر قرار داده و با شعله بیان و شعر ارفع و تبخر علمی يك عالم را شیفته خود ساخته  
 است. و بعد میگوید: ام سلمه قرآلعین طاهره زرین تاج که در سرزمین عجم متولد شد از ژاندارك بمراتب  
 حیران کننده تر است." (۲۳)

منتقد معروف آقای محمد علی صدیقی در روزنامه "دان" انگلیسی مقاله ای نوشته که ترجمه اش چنین  
 است: "طاهره پرچم دار مساوات مرد و زن در سده نوزدهم میلادی در ایران بود. از شعرای اردو زبان  
 کمتر کسی پیدا می شود که به شعر طاهره اقتدا نکرده باشد." (۲۴)

یادداشت ها:

- ۱- حقوق زن
- ۲- طاهره، کراچی ص ۸۲ و ۸۴
- ۳- اقبال لاهوری
- ۴- ادب نامه ایران، لاهور ۱۹۶۲
- ۵- ماهنامه احساس، ۱۹۶۲
- ۶- لڑگیان جو مشهور هونین، لاهور ۱۹۶۳
- ۷- بهائی میکزین، لاهور، آوریل ۱۹۶۴
- ۸- بهائی میکزین، لاهور ۱۹۶۴
- ۹- بهائی میکزین مه ۱۹۶۴
- ۱۰- امروز، لاهور ۲۳ آوریل ۱۹۶۷
- ۱۱- سیاره رایجست، لاهور آگوست ۱۹۶۸
- ۱۲- چهره به چهره روپرو، لاهور ۱۹۸۳
- ۱۳- فیروز سنز اردو انسا کلوییدیا، لاهور ۱۹۸۴
- ۱۴- انسیکلوپیدیا اسلامی اردو، کراچی ۱۹۸۴
- ۱۵- طلوع سحر، کراچی ۱۹۸۵
- ۱۶- نکار، پاکستان آوریل ۱۹۸۶
- ۱۷- حروف سردار، لاهور ۱۹۸۷
- ۱۸- کلمبوس کی دیس میس، لاهور ۱۹۸۷
- ۱۹- ثمت طلب آزار قمر هاشمی، کراچی ۱۹۸۸
- ۲۰- فرهنگ اقبال، لاهور ۱۹۸۹
- ۲۱- کاروان راولپندی ۱۹۸۹
- ۲۲- گرد سفر، کراچی ژانویه ۱۹۹۱
- ۲۳- رجحان، کراچی آوریل ۱۹۹۰
- ۲۴- روزنامه دان، کراچی ژانویه ۱۹۹۱